

فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
ویژه‌نامه کارنامه اقتصادی دولت
سال یکم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صفحات ۲۰-۵

اقتصاد ایران همراه با تحریم با تأکید بر عملکرد سال ۱۳۹۱

سیدشمس‌الدین حسینی

استادیار دانشگاه علامه طباطبایی و وزیر امور اقتصادی و دارایی
sshosseini@yahoo.com

تحریم اقتصادی برای پژوهشگران و دست‌اندرکاران امور اقتصادی کشور شناخته شده است، زیرا از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان مانعی در مسیر پیشرفت کشور قرار داده شده است اما تحریم‌های دو سال گذشته علیه اقتصاد ایران دارای ابعاد به مراتب گسترده‌تری است که شناخت آثار و مقابله با آن نیازمند چگونگی اثرگذاری آن بر بخش‌های اقتصاد کلان است. مقاله حاضر با همین نگاه نوشته شده است. نگارنده به فراخور مسئولیت و شناخت علمی موضوع تلاش کرده است ساز و کار اثرگذاری تحریم‌های اخیر در حوزه سیاست‌های مالی، ارزی و پولی را ارائه و اثرات آن و وضعیت بخش‌های واقعی، بازار سرمایه و شاخص‌های کلان چون بیکاری و تورم را تحلیل کند. اقدامات انجام‌شده در مقابله با تحریم‌ها و توصیه‌هایی برای ادامه راه از بخش‌های دیگر این نوشتار است که از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد.

طبقه‌بندی JEL: O50, P44.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد ایران، اقتصاد جهانی، تحریم، آثار تحریم، رشد اقتصادی، نقدینگی.

۱. مقدمه

این مقاله تحت عنوان "اقتصاد ایران همراه با تحریم" تدوین شده است و از آنجایی که اقتصاد ایران با جهان خارج تعامل دارد ابتدا با نگاهی به شرایط اقتصاد جهانی آغاز می‌شود و تأملی بر ابعاد تحریم دارد و سرانجام با نگاه کلان به تأثیر تحریم‌ها و تحلیل اقتصاد ایران همراه با تحریم می‌پردازد.

نخست تأملی بر اقتصاد جهان در سالی که گذشت و سالی که پیش‌رو است، خواهیم داشت سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ سالی‌هایی هستند که کندی رشد اقتصاد جهانی در آن تداوم دارد. صندوق بین‌المللی پول ارقام ۳/۲ و ۳/۳ درصد و بانک جهانی ارقام ۲/۳ و ۲/۴ درصد را برای رشد اقتصاد جهانی در این دو سال اعلام و پیش‌بینی نموده‌اند (IMF, 2013).

بهترین عملکردها و پیش‌بینی‌های رشد برای شرکای تجاری ایران همچون چین (۸/۲ درصد) و هند (۵/۷ درصد) ثبت شده است. البته بدترین وضعیت مربوط به ناحیه یورو است که منفی پیش‌بینی شده است (۰/۳-).

تورم در کشورهای دنیا در سال ۲۰۱۳ تغییر چندانی نخواهد داشت و ثبات نسبی نرخ تورم در جهان پیش‌بینی می‌شود. تورم در آمریکا ۲/۱ درصد و در اروپا ۲/۵ درصد پیش‌بینی می‌شود و در چین به قدری بالاتر از ۳ درصد و هند حدود ۱۱ درصد می‌رسد.

نرخ بیکاری در آمریکا حدود ۷/۵ درصد در سال ۲۰۱۳ پیش‌بینی شده است که تقریباً مشابه سال ۲۰۱۲ است، همچنان که نرخ بیکاری اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ مشابه سال قبل آن حدود ۱۲/۳ درصد پیش‌بینی شده است. البته در کشورهایی چون ایتالیا ۱۲/۴ درصد و اسپانیا ۲۶/۵ درصد پیش‌بینی شده است که نگران‌کننده است (بانک جهانی، ۲۰۱۳).

این امر سبب شد که صندوق بین‌المللی پول و گروه ۲۰ به یک جمع‌بندی مشابه برسند که در بکارگیری و تداوم سیاست‌های ریاضتی جانب احتیاط را حفظ نمایند، زیرا کندی رشد و همچنین جبران مشاغل از دست رفته نیازمند حفظ سطح بالاتری از تقاضای کل است.

پیش‌بینی می‌شود تجارت جهانی نیز رشد یک واحد درصدی را تجربه کند و از ۲/۵ درصد در سال ۲۰۱۲ به ۳/۶ درصد در سال ۲۰۱۳ برسد. پیش‌بینی برای بازارهای مالی، رشد شاخص برای بورس‌های آمریکا، اروپا و آسیا است. جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سال ۲۰۱۳ نیز

پیش‌بینی شده است که حدود ۱۸۰۰ میلیارد دلار برسد که نسبت به سال ۲۰۱۲، ۱۳ درصد رشد دارد (بانک جهانی، ۲۰۱۳).

اگر پیش‌بینی‌ها در خصوص رشد اقتصاد جهانی محقق شود تقاضای نفت خام در سال ۲۰۱۳، ۸۹/۶۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود عرضه غیراوپک در این سال ۹۸۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد و عرضه غیراوپک با کاهش محدودی مواجه گردد، عرضه اضافی در این سال حدود ۴۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. لذا در مجموع برای بازار نفت کاهش ۵ تا ۶ دلار در قیمت هر بشکه پیش‌بینی می‌شود. عملکرد قیمت نفت خام برنت برای سال ۲۰۱۲، ۱۱/۶۵ دلار در هر بشکه بوده است که برای سال ۲۰۱۳، ۱۰۵/۸ دلار در هر بشکه برآورد می‌شود.

در کل رشد ملایم اقتصادی، رشد ملایم تقاضای جهانی نفت، ثبات نسبی قیمت و البته قیمت رو به کاهش برای غذا و انرژی پیش‌بینی می‌شود. روند رشد تجارت جهانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و همچنین بورس‌ها مثبت پیش‌بینی شده است، بنابراین در شرایط متعارف تنگنایی از محیط اقتصاد جهانی برای ایران منصور نیست.

۲. ابعاد تحریم

تحلیل اقتصاد جهانی و فضای بین‌المللی فعالیت برای اقتصاد ایران می‌بایست با ملاحظه روند تحریم صورت پذیرد که بسیار گذرا به آن می‌پردازم.

در سال‌های اخیر موج‌های تحریم از علم و فناوری (به‌ویژه در حوزه انرژی) به موج محدود ساختن سرمایه‌گذاری خارجی و تحریم بانک‌های تجاری ایران پیوند خورد. در یکسال و نیم اخیر تحریم فراگیرتر مالی (شامل بانک‌ها و بیمه‌ها، نقل و انتقال پول و فلزات گرانبها) به تحریم بانک مرکزی پیوست.

در مرحله دیگر، تحریم به تجارت (یا اجبار به کاهش داوطلبانه خرید) نفت و مشتقات از ایران مبدل شد. پیش‌بینی‌های بعدی طراحی تحریم تجاری و لجستیکی است. ملاحظه می‌شود موج تحریم‌ها افزایش یافتند و با توصیف‌هایی چون هوشمند و فلج‌کننده از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا تحمیل شدند. فراتر از قطعنامه سازمان ملل با مصوبات آمریکا و اتحادیه اروپا و تهدید شرکای مالی و تجاری ایران، تحریم‌ها حالت فراقطعنامه‌ای و فراسرزمینی یافتند، یعنی

فرا تر از مناسبات با کشورهای تحریم کننده رفته‌اند. کشورهای تحریم کننده گزینه تحریم به‌عنوان جنگ اقتصادی را دنبال می‌کنند، جبهه‌های جدید را به روی اقتصاد ایران باز می‌کنند و نقشه‌شان نیز کاهش توان و رفاه ملی از طریق انزوای اقتصادی، پیشگیری از تحرک و تحول اقتصادی و یأس و ناباوری است. همواره، پیش و پس از هر موج تحریم اقتصادی به عملیات روانی و مهندسی انتظارات اقتصادی دست می‌زنند، بنابراین تحلیل اقتصاد ایران و تدوین، تدبیر و اداره امور اقتصاد کشور باید با درک این واقعیت باشد.

تحلیل، مدیریت و ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران همراه با تحریم مشابه شرایط اقتصاد بدون تحریم یا طرح گزاره‌هایی به دلیل ۳۵ سال تحریم پس از انقلاب، تحریم بانک مرکزی و نفت مشابه همانی است که بود می‌تواند سبب سهل‌انگاری شود. حال آنکه می‌بایست واقع‌بین بود. باید دریافت که اقتصاد ایران در جنگ اقتصادی بسر می‌برد و می‌بایست یک نقشه جامع داشت و نه تنها به صورت موردی و مقطعی بلکه در چارچوب سیاست‌های کلان اعم از مالی، پولی، ارزی، تجاری، صنعتی، بازتوزیع درآمد و حمایت بازمینی شود.

۳. سیاست مالی

اگرچه بودجه عمومی حدود ۱۴۴ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی یا مصوب شد، اما بلافاصله پس از ابلاغ کار مشترکی به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی و وزارت امور اقتصادی و دارایی از سوی رئیس‌جمهور محول شد که با توجه به روند عملکرد ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰ و همچنین ماه‌های آغازین سال ۱۳۹۱ تصویر واقعی‌تر برای سال مالی ترسیم و چارچوب اختصاص و اجرای بودجه سال ۱۳۹۱ ارائه شد. نتیجه بررسی‌ها این بود که سال مالی ۱۳۹۱ متفاوت از سالی است که در تدوین و تصویب بودجه تصویر شده است، بنابراین با در نظر گرفتن دو عنصر امکان‌پذیری یا قابلیت اجرا و تحقق‌پذیری یا واقعیت‌گرایی مقرر شد تخصیص اعتبار در قالب قانون بودجه براساس ۹۵ هزار میلیارد تومان انجام پذیرد.

اولویت باید به هزینه‌های اجتناب‌ناپذیر همچون حقوق و دستمزد، یارانه‌ها و نظایر آن اختصاص یافت که برآوردها حداقل ۸۵ هزار میلیارد تومان بود، البته ۱۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت‌های عمرانی و حوادث غیرمترقبه در نظر گرفته شد که از قضا سالی پرحادثه و یکی از

وقایع تلخ و خسارت‌ساز طبیعی یعنی زلزله آذربایجان شرقی (ورزقان و اهر) تجربه شد. توافق شد اگر گشایشی ایجاد شود منابع به مخارج عمرانی اضافه شود.

در بخش منابع بودجه، فرض بر تحقق حداکثر ۶۰ درصدی عایدات نفتی قرار گرفت و در بخش درآمدها از آنجایی که امکان کاهش واردات و تغییر ترکیب آن به سمت واردات با تعرفه کمتر (اقلام اساسی) می‌رفت به ناچار بر مالیات‌های مستقیم، مالیات بر ارزش افزوده، خصوصی‌سازی و سایر درآمدها متمرکز شدیم. البته این یک رویکرد اصولی است که در شرایط تحریم اجتناب‌ناپذیر است. برای جبران کاهش پرداخت‌های عمرانی نیز چند راهکار اندیشیده شد از جمله:

- فروش اوراق مشارکت برای اجرای طرح‌های عمرانی

- واگذاری سهام به شیوه تهاتر به پیمانکاران طلبکار از دولت

- تهاتر بدهی پیمانکاران با طلب آنها از دولت

- واگذاری برخی اقلام همچون قیر به پیمانکاران

این رویکرد دنبال شد و موفق نیز بود، البته آنچه در عمل محقق شد، به‌ویژه در نیمه دوم بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۱ بهتر هم بود. در کل اگرچه واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (عمدتاً درآمدهای نفتی) ۳۶ درصد در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ کاهش یافت، اما افزایش ۷ درصدی درآمدهای عمومی دولت که عمده آن به دلیل افزایش ۱۳ درصد مالیات‌های مستقیم و کالاها و خدمات است، محقق شد.

در کل نسبت درآمدها به دریافتی‌های دولت از ۴۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۵۳ درصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یافت.

مصارف عمومی اگرچه نسبت به سال ۱۳۹۰ حدود ۱۸ درصد کاهش داشت، اما فراتر از آنچه پنداشته می‌شد، عمل شد. عملکرد هزینه‌ای به ۸۹ هزار میلیارد تومان و اعتبارات عمرانی بدون احتساب اوراق مشارکت، تهاترها و ... به حدود ۱۵/۵۰۰ میلیارد تومان رسید و در کل کسری تراز عملیاتی ۱۷ درصد کاهش یافت. البته در راستای اثربخشی بیشتر پرداخت‌های عمرانی طرح مهرماندگار اجرا شد. معنای عملی این طرح، تمرکز بر طرح‌های مهم و با پیشرفت

بالای ۶۵ درصد است که بتوان با تکمیل آنها با اثربخشی بالاتر نیاز به هزینه‌های عمرانی را کاهش داد.

به‌طور خلاصه یکی از بیشترین فشارهای تحریم از مسیر بودجه و بخش مالی دولت نمودار شد و می‌شود که مدیریت شد و می‌بایست همچنان تدبیر شود. در این فضا کاهش عایدات مربوط به نفت، مشتقات و فرآورده‌ها، کاهش عایدات گمرکی به دلیل کاهش واردات و تغییر ترکیب آن اجتناب‌ناپذیر است، بنابراین یک مسیر اصولی باقی می‌ماند که خلاصه آن اصلاح مدل و ترکیب شیوه تأمین مالی دولت و دیگری اصلاح ساختار هزینه‌ای و سرمایه‌گذاری دولت است (گزارش مالی دولت، ۱۳۹۲).

در بخش تأمین مالی دولت چاره‌ای جز تسریع در اصلاح نظام مالیاتی ندارد. تقاضای فوریت برای لایحه اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم به همین دلیل بوده است. البته بهتر است یادآوری شود که این لایحه نه تنها نرخ‌های مالیاتی همچون مالیات بر درآمد و سود را افزایش نمی‌دهد، بلکه تبعیض نرخ‌های مالیاتی بر حقوق دستمزد کارکنان بخش خصوصی با بخش دولتی را رفع می‌نماید. در بخش تولید و سرمایه‌گذاری نیز سهولت‌های جدید به بار می‌آورد، اما در مقابل برشفافیت و اشراف اطلاعات اقتصادی، حذف معافیت‌های بخش عمومی غیردولتی، گسترش پایه‌های مالیاتی و افزایش ضمانت‌ها در اجرای قانون تأکید می‌کند اصلاح این قانون اجتناب‌ناپذیر است به‌ویژه آنکه به دنبال اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده که از زمان تصویب آن تاکنون نزدیک به ۳۵ هزار میلیارد تومان عملکرد داشته است طرح جامع مالیاتی نیز نیمه‌امسال اجرا می‌شود. البته در بخش هزینه‌ای می‌بایست تصدی‌های دولت حتی در حوزه اجتماعی واگذار شود. هم‌اکنون در بیشتر قوانین کشور تکلیف دولت برای تأمین خدمات اجتماعی با الزام دولت به تولید خدمات اجتماعی مترادف انگاشته شده است که سبب بالا رفتن هزینه‌ها می‌شود، حال آنکه دولت می‌تواند تأمین این خدمات را با هزینه کمتر و کیفیت بالاتر از طریق بخش غیردولتی انجام دهد.

در بخش عمرانی برنامه واگذاری سهل‌تر طرح‌های نیمه‌تمام به بخش غیردولتی تصویب شده است. این فرایند را می‌توان خرید اعتباری (مدت‌دار) طرح، تکمیل، بهره‌برداری و بازپرداخت و تملک آن به‌وسیله بخش غیردولتی نامید. دستورالعمل آن در هیأت واگذاری

تصویب و ابلاغ شده است و آغاز طرح‌های عمرانی جدید نیز می‌تواند در قالب مشارکت دولت با بخش خصوصی (PPP) انجام گردد. این مهم در لایحه قانون بودجه امسال پیش‌بینی شده است که به‌رغم حذف اولیه آن در کمیسیون تلفیق، با رایزنی‌های انجام شده و تجدید رأی خوشبختانه پذیرفته شد. به‌طور خلاصه جایگزینی مالیات به جای نفت، رویکرد تأمین خدمات جایگزین تولید خدمات توسط دولت و درنهایت رویکرد مشارکت به‌جای کارفرمایی در اجرای طرح‌های صنعتی و عمرانی سه محور اصلی تحول در سیاست مالی هستند، البته در کنار تحول در سیاست‌گذاری و اجرای بخش مالی دولت در شرایط تحریم انعطاف نیز لازم است. هر آنچه در قوانین مالی و محاسباتی و برنامه و بودجه نگاشته شده‌اند به شرایط عادی مربوط است و بدیهی است که با شرایط تحریم سازگاری ندارد که بهتر است مورد توجه قرار گیرد.

۴. سیاست ارزی

تحریم از چند مسیر بر طرف عرضه ارز اثر گذاشت که عبارتند از اینکه:

- کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و میعانات سبب کاهش عرضه ارز شد و این امر به‌دنبال محدودیت در نقل و انتقال، تبدیل و تأخیر در وصول درآمدهای نفتی تشدید شد. در بخش صادرات پتروشیمی نیز همچنان این حالت حکمفرما شد.
 - محدودیت در تبدیل، نقل و انتقال ذخایر ارزی در کنار موارد فوق مداخله و مدیریت بانک مرکزی آنهم در شرایط تحریم را دشوار کرد.
 - البته صادرات غیرنفتی در مجموع (بجز میعانات و پتروشیمی) با رشد ۲۰ درصدی مواجه شدیم و هرچند با کندی و عدم شفافیت در چرخه ورود آن با چرخه تجاری مواجه بودیم، اما فشار کاهش درآمدهای نفتی تعدیل شد.
 - در طرف تقاضای ارز تحریک و افزایش تقاضای احتیاطی فعالان اقتصادی و افزایش تقاضای سفته‌بازی و سوداگری صورت گرفت.
 - البته در فضای برشمرده میل به خروج سرمایه نیز تقویت می‌شود.
- برایند آثار فوق در شرایطی که کنار بازار بانکی یک بازار گسترده و غیرمتشکل در حوزه صرافی‌ها، تداخل صنف‌ها و دست‌فروشی ارز و کنار بازار رسمی و سرزمین اصلی یک بازار گسترده تحت عنوان بازار فرعی ارز یا مناطق آزاد وجود داشت تعدد نرخ‌ها و تکانه‌پذیری

بود. تکانه‌های ارزی بهمن ماه ۱۳۹۰ و شهریورماه ۱۳۹۱ در چنین فضایی ایجاد شد. در راستای مقابله با وضع فوق و مدیریت بازار ارز مجموعه سیاست‌هایی اتخاذ شد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

گام اول: دسته‌بندی نیازهای ارزی و اولویت‌بندی تأمین آنها است که عبارتست از:

- کالاهای اساسی و دارو و تجهیزات پزشکی خاص جزء گروه‌های (۱) و (۲) قرار گرفتند و چون جزء نیازهای ضروری و معیشتی مردم بودند مقرر شد با همان نرخ ارز محاسباتی بودجه (موسوم به نرخ ارز مرجع) توسط بانک مرکزی با معرفی وزارت صنعت، معدن و تجارت و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تأمین شوند.

- دسته دوم کالاهای گروه ۳ تا ۹ هستند که به تدریج تحت پوشش مرکز مبادله ارزی که یک بازار مدیریت شده بانکی با محوریت بانک مرکزی است و به‌مثابه ساز و کاری برای پوشش تقاضای معاملاتی و احتیاطی ارز است، قرار گرفت.

- خدمات نیز مشابه موارد فوق دسته‌بندی شدند. به هر حال در ساز و کار فوق پوشش تقاضای واقعی و کاهش انگیزه احتیاطی هدفگذاری شدند.

- تأمین‌کننده ارز برای دارو و کالاهای اساسی عمدتاً بانک مرکزی و عرضه‌کننده در مرکز مبادله شرکت نفت، صندوق توسعه ملی و البته از ماه‌های پایانی سال بانک مرکزی بودند. گام‌های دیگر بر این قرارند که:

- مدیریت و کنترل حساب سرمایه و جلوگیری از خروج فلزات گرانبها

- تطبیق الگوی تجاری با الگوی ارزی برای کاهش نیاز به تبدیل و نقل و انتقال اسعار

- ساماندهی بازار غیرمتشکل ارز

- بالا بردن ریسک معاملات در بازار غیررسمی

- راه‌اندازی پورتال ارزی برای تطبیق چرخه‌های تجاری، ارزی و گمرکی و پایش و

تسریع در گردش ارز حاصل از صادرات

این سیاست‌ها به میزان قابل توجهی از تکرار تکانه‌های بعدی در بازار ارز جلوگیری کردند، اما به‌طور طبع نباید انتظار داشت که این سیاست‌ها و اقدامات بتوانند اثر حدود نصف شدن منبع اصلی درآمدهای ارزی کشور یعنی عایدات نفتی یا محدودیت‌های سیاسی نقل و انتقال ارزی کشور را کاملاً خنثی کنند.

البته نباید از نظر دور داشت که به دنبال همین تکانه‌های ارزی، رقابت‌مندی و صادرات محصولات کشاورزی، معدنی، خدمات، گردشگری و صنایع غیروابسته به واردات افزایش یافت و واردات کل به‌رغم افزایش واردات کالاهای اساسی برای تقویت ذخایر مربوط کاهش یافت و سبب شد که سرانجام در مقابل ۵۳ میلیارد دلار واردات (که ۹ میلیارد دلار یا ۱۴ درصد کمتر از واردات سال ۱۳۹۰ بود) صادرات غیرنفتی با احتساب میعانات گازی به ۴۱/۳ میلیارد دلار برسد. در واقع، مابه‌التفاوت یا کسری صادرات غیرنفتی با واردات کل از بیش از ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به ۱۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ کاهش یابد. این امر یک بهبود در تراز تجاری محسوب می‌شود (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۰-۱۳۸۹).

۵. سیاست پولی

اکنون با توجه به شرح عملکرد مالی دولت و بخش ارزی شرایط برای تحلیل بخش پولی سهل‌تر می‌شود. یکی از مشکلاتی در سال ۱۳۹۱ تأخیر در تسویه تنخواه‌گردان خزانه بود. این امر به‌مثابه یک مؤلفه برای افزایش بدهی پایه پولی عمل می‌نمود. در کنار این امر دشواری تأمین و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی توسط بخش خصوصی، اختصاص سرمایه در گردش به شرکت‌های دولتی برای واردات و تأمین کالاهای اساسی مورد نیاز مردم را سبب شد که منجر به افزایش پایه پولی شد.

علاوه بر موارد فوق، به دلیل محدودیت امکان تبدیل ارزهای نفتی در بازار، بالا رفتن خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی محتمل بود و سرانجام باید توجه داشت که نیاز بالاتر برای تقاضای معاملاتی پول از سوی بنگاه‌ها سبب افزایش مطالبات معوق بانک‌ها و افزایش اضافه برداشت آنها از بانک مرکزی می‌شد، آنچنان که تحریم مستقیم بانک‌ها و نوسان‌های نرخ ارز بر جریان نقدینگی و وجوه بانک‌ها اثر منفی می‌گذارد.

موارد فوق نکات برجسته یک کار مطالعاتی مشترک از سوی بانک مرکزی، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت صنعت، معدن و تجارت بود که سال گذشته انجام و بر اساس آن سیاستگذاری شد (معاونت امور اقتصادی، ۱۳۹۱).

اقداماتی که در این زمینه انجام پذیرفت عبارتند از اینکه:

- تلاش بانک مرکزی برای پیشگیری و خنثی‌سازی اثر افزایش خالص دارایی خارجی بر پایه پولی مضاعف شد. این امر به‌ویژه با فروش ارزهای حاصل از نفت در ماه‌های پایان سال توسط بانک مرکزی در مرکز مبادله بسیار کارساز بود.
- تنخواه‌گردان خزانه پایان اسفندماه کاملاً تسویه شد.
- بانک مرکزی بر کاهش اضافه برداشت بانک‌ها همت‌گذار و بانک‌ها از طرق مختلف برای کاهش اضافه برداشت‌ها تلاش کردند.
- بانک مرکزی به فروش اوراق مشارکت خود مبادرت نموده و بخشی از نقدینگی را جمع‌آوری کرد.
- نتیجه تمام این تلاش‌ها، کنترل رشد نقدینگی حدود ۳۰/۸ درصد بود که اگرچه بالا است، اما چنانچه با سال‌هایی که تکانه‌های ارزی مشابه داشتیم قابل قبول است. در ادامه کار نیز برای اصلاح سیاست پولی توجه به راهکارهای زیر اجتناب‌ناپذیر است:
- با اصلاح سیاست مالی که پیش از این به محورهای آن اشاره شد، تسلط مالی بر بخش پولی تعدیل شود. هماهنگی موجود بین دستگاه‌های خزانه‌داری، بودجه‌ریزی و ارزی می‌بایست تقویت شود.
- با مجموعه‌ای از سیاست‌های ارزی و سیاست‌های تکمیلی اثرات تغییر NFA بر پایه پولی خنثی شود.
- سیاست دولت در بازپرداخت و تهاتر بدهی‌های خود به بانک‌ها با تخصیص دارایی‌ها و سهام نقدشونده تداوم یابد.
- بخش بانکی با راهکارهایی همچون تبدیل دارایی‌های غیرمولد، کاهش مطالبات معوق و افزایش سرمایه به تجهیز منابع غیرتورمی، جایگزین اضافه برداشت روی آورد.
- با هم‌افزایی و همکاری بازار سرمایه، بازار پول، صنعت بیمه، خزانه‌داری و جذب منابع خارجی و مهندسی مالی، شیوه تأمین مالی غیرتورمی و پایدار در حوزه‌های بخش عمومی و بخش خصوصی جایگزین اتکا بیش از ظرفیت به حوزه بانکی در تأمین مالی شود.
- بازار غیرمتشکل پولی نظامند و ساماندهی شود.
- نقش بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی همچون فروش اوراق مشارکت تقویت شود
- (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۱-۱۳۸۹).

۶. تحلیل بخش واقعی

برای تحلیل بخش واقعی تحلیلی از وضع تولید به تفکیک زیربخش‌های مختلف ارائه می‌شد.

۱-۶. بخش نفت و گاز

در حوزه نفت خام به دلیل کاهش اجباری صادرات به‌رغم وجود ظرفیت فنی، تولید با حدود یک میلیون بشکه در روز کاهش مواجه شد، اما در بخش میعانات گازی تولید عملی افزایش یافته است. تولید گاز طبیعی نیز در سال ۱۳۹۱ افزایش داشت و در کل تراز صادرات-واردات گاز مثبت شد. اما در سرجمع تولید بخش نفت و گاز کشور به دلیل تحمیل اراده غرب حتی به خریداران شرقی کاهش داشته است (شرکت ملی گاز ایران، ۱۳۸۹-۱۳۹۱، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران ۱۳۸۹-۱۳۹۱ و اوپک، ۲۰۱۳).

۲-۶. بخش صنعتی

آثار تحریم در بخش صنعت نامتقارن و بسته به ساختار ارزشی یا ارزآوری خالص آنها متفاوت بوده است. براساس بررسی انجام گرفته بخش‌های صنایع معدنی و فلزات اساسی و صناعی همچون فولاد و سیمان، شیشه با رشد تولید ولو بطئی مواجه بوده‌اند اما در بخش‌هایی که وابستگی به تأمین مواد اولیه و کالای واسطه‌ای از خارج وجود دارد با کاهش مواجه بوده‌اند. اما یک نکته مهم توجه به رشد مصرف برق در صنعت در سال ۱۳۹۱ به میزان ۹ درصد در مقایسه با مصرف برق در صنعت در سال ۱۳۹۰ است، طبعاً نمی‌توان انتظار داشت زمانی که چنین نهاده‌ای رشد می‌یابد محصول کل بخش کاهش یابد (گزارش ادواری صنعت، معدن و تجارت ۱۳۹۰-۱۳۹۱).

۳-۶. بخش کشاورزی

براساس بررسی انجام پذیرفته در زیربخش‌های کشاورزی اکثر محصولات زراعی، باغی، دامی و شیلات در این بخش با رشد مواجه بودند. این بخش به‌خوبی از تکانه ارزی سود برده است. حجم مصرف برق به‌عنوان یک نهاده (نماینده یا Proxy) در این بخش نیز ۵ درصد رشد نشان می‌دهد و در کل برآورد رشد برای بخش کشاورزی مثبت است، کما اینکه رقابتمندی صادرات محصولات کشاورزی بالا رفته است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۹-۱۳۹۱).

۶-۴. بخش خدمات

مطالعه در زیربخش‌های خدمات نیز حکایت از آن دارد که بخش‌های گردشگری داخلی با رشد مواجه بودند. براساس آمار گمرک جمهوری اسلامی ایران آمار سفرهای خارجی ایرانیان از ۲۱/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۹۰ با ۳/۴ میلیون نفر (حدود ۱۵ درصد) کاهش به ۱۸/۳ میلیون نفر رسیده است. آمار مسافران به کیش ۱۱ درصد و آمار مسافران به قشم ۹ درصد رشد داشته است. گرانی ارز سبب شد که قدرت جذب گردشگری داخلی افزایش و جایگزین گردشگری و سفر به خارج هموطنان شود. بخش‌های حمل و نقل کالا و ترانزیت نیز همگی برحسب تناژ رشد مثبت نشان می‌دهند، البته تخلیه و بارگیری کالاهای نفتی کاهش نشان می‌دهد. حجم فعالیت بخش‌های بانکداری و بیمه نیز افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۸۷ و گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱-۱۳۸۹).

۷. بازار سرمایه

چنانچه به بررسی تطبیقی آمار تولید زیربخش‌های اقتصادی با رشد شاخص‌ها و سودآوری بورس نیز پرداخته شود نتایج مشابهی عاید می‌شود. بر اساس اعلام سازمان بورس و اوراق بهادار مستقل از رشد ۴۷ درصد شاخص کل، شاخص صنعت ۵۹ درصد در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ رشد داشته است. این عدد برای ۵۰ شرکت برتر بورس حدود ۳۰ درصد بوده است. نکته دیگر اینکه رشد EPS بخش‌های مختلف با رشد آمار تولید آنها به میزان بالایی تطبیق دارد. به عنوان مثال، شاهد افزایش سودآوری گروه‌های فلزی، فلزات اساسی، حمل و نقل و بیمه هستیم و در مقابل سودآوری برای بخش‌هایی که وابستگی وارداتی دارند و درگیر مستقیم تحریم هستند کاهش یافته است. آنچنان که آمار تفکیکی رشد حجم مبادلات سهام در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین رونق معاملات کالایی در بورس کالا از این نتیجه‌گیری پشتیبانی می‌کند که آثار تحریم‌های موجود بسته به ساختار بخش‌های تولیدی متفاوت بوده است و چنانچه برجسته‌ترین کانال اثرگذاری تحریم بر تولید را تحولات ارزی بدانیم بخش‌های بسیاری منتفع شده‌اند.

این استدلال مانع از آن می‌شود که به عنوان مثال یکباره به حمایت‌های غیرهدفمند و ناسازگار با اصول در تمام بخش‌ها آن‌هم مستقل از ماهیت و واقعیات اقتصادی مبادرت شود،

بنابراین اگر بر مواردی همچون پرهیز از تصویب احکام قانونی امهال همگانی مطالبات معوق بانک‌ها یا بدهی‌های مالیاتی و نظایر آن تأکید می‌شود به دلیل چنین بررسی انجام شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۹-۱۳۸۰).

۸. شاخص‌های کلان

در این بخش نیز اشاره‌ای به شاخص‌های کلان اقتصادی-اجتماعی می‌کنم. به‌رغم افزایش ۰/۸ درصدی نرخ مشارکت در بازار کار که به ۳۷/۷ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است، نرخ بیکاری تقریباً با کاهشی اندک (۰/۱ درصد) به ۱۲/۲ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۱-۱۳۸۹).

۸-۱. تورم

سال گذشته بررسی مشترکی در خصوص دلایل شتاب گرفتن رشد شاخص عمومی قیمت‌ها به‌وسیله دستگاه‌های اقتصادی انجام و توصیه‌هایی نیز برای سیاست‌گذاری مالی، پولی، ارزی و تنظیم بازار ارائه شد. حاصل تمام مطالعات این بود که تکانه‌ها یا جهش قیمتی در حوزه کالاها و خدمات در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۰ و شهریور ماه و ماه‌های آغازین پاییز سال ۱۳۹۱ به‌دنبال تکانه‌های ارزی در ماه‌های نزدیک آنها حادث شده است، ضمن اینکه تجربه تاریخی اقتصاد ایران حکایت از آن دارد که هرگاه تکانه‌های ارزی با رشد بالای نقدینگی همراه شوند تورم در سطح بالاتری از روند مزمن و ساختاری آن در اقتصاد ایران بروز می‌کند. به‌عنوان مثال، تجربه سال ۱۳۷۳ نشان می‌داد که رشد ۴۸ درصد نرخ ارز همراه با رشد ۲۸/۵ درصدی نقدینگی تورم ۳۵ درصدی را در پی داشت، همچنان که رشد ۵۱/۳ درصد نرخ رشد ارز در سال ۱۳۷۴ همراه با رشد ۳۷/۶ درصدی نقدینگی در سال ۱۳۷۴ تورم ۴۹/۴ درصدی را همراه داشت، بنابراین توصیه گروه کار فوق نیز بر کاهش و پیشگیری از تکانه‌های ارزی، تعدیل رشد شتابان نقدینگی، تنظیم بازار کالاها و خدمات خاص و مدیریت انتظارات بود. به هر حال به‌رغم تمام تلاش‌ها، برآیند بروز تکانه‌های ارزی و ساختارها و پتانسیل‌های تورمی آن شد که تورم حدود ۳۰ درصد محقق شود که عدد بالایی است و به‌ویژه به دلیل نرخ‌های بالاتر رشد قیمت در حوزه کالاها و نیازهای اساسی فشار بیشتری را برای طبقات آسیب‌پذیر به‌دنبال داشت.

۸-۲. توزیع درآمد و سیاست‌های حمایتی

ضریب جینی در مناطق شهری در سال ۱۳۸۹ پیش از اجرای قانون هدفمندسازی در روستاها حدود ۰/۴۰ بود که با اجرای این سیاست در سال ۱۳۹۰ به ۰/۳۶ کاهش یافت. این رقم در سال ۱۳۹۱ در این حدود است که همچنان پایین‌تر از سال‌های قبل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها است. ضریب جینی مناطق روستایی نیز که از حدود ۰/۳۷ در سال ۱۳۸۹ به حدود ۰/۳۴ در سال ۱۳۹۰ رسیده بود نیز در سال ۱۳۹۱ در همین حد بود. البته در یک سیاست جبرانی سال گذشته مبلغی بین ۸۵ تا ۱۰۰ هزار تومان به هر فرد ایرانی پرداخت شد به‌ویژه برای دهک‌های پایین‌تر از میانه درآمدی اثربخش بود (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱-۱۳۸۷).

۹. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در انتها، مناسب است که برخی از توصیه‌های کلی ارائه شود:

- دیپلماسی سیاسی، حقوقی و اقتصادی در مقابله با تحریم‌ها تقویت شود.
- سیاست‌های اقتصادی با هدف کاهش عدم تعادل‌ها و ایجاد ثبات به‌ویژه در حوزه‌های ارزی، مالی دولت، بازار پول و بازار کالاهای اساسی دنبال و بسته‌های اجرایی با این جهت‌گیری اجرا شوند.
- تداوم اصلاحات ساختاری همچون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و طرح تحول اقتصادی (هدفمندی یارانه‌ها، اصلاح نظام مالیاتی و تأمین مالی) دنبال شود.
- شفافیت و افزایش اشراف اطلاعات اقتصادی و حذف رانت دنبال شود، در رسیدگی و تصویب لایحه اصلاح مالیاتی تسریع شود.
- اقدامات جبرانی برای اقشار آسیب‌پذیر و گروه‌های پایین و متوسط درآمدی در چارچوب هدفمندسازی یارانه‌ها دنبال شود.
- مقاومت‌سازی و پشتیبانی از فعالیتهای اقتصادی و تولیدی آسیب‌پذیر از تحریم به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌صورت هدفمند و نه به‌صورت همگانی انجام شود.
- با انتظارات تورمی و تعمیم فضای یأس در جامعه مقابله شود. این امر از آنجا اهمیت می‌یابد که تمام حجم‌های اقتصادی بیرونی با فضا سازی رسانه‌ای و مهندسی انتظارات انجام پذیرفته است.

منابع

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اطلاعات روزانه نرخ ارز بازار تهران و داده‌های سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱. پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان بورس اوراق بهادار (۱۳۸۰-۱۳۸۹).
- شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱.
- شرکت ملی گاز ایران (۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱).
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱).
- گزارش ادواری وزارت صنعت، معدن و تجارت طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰).
- وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، آمار بحران‌های کارگری، ۱۰ ماهه اول سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱).
- وزارت راه و شهرسازی، معاونت مسکن و ساختمان (۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱).
- International Monetary Fund World (IMF) (2013), "Economic Outlook", April.
- Monthly Oil Market Report (OPEC) (2013), June.
- UNCTAD (2012), World Investment Report.
- World Bank (2013), "Global Economic Prospects", January.

